

# معرفی سه اثر منتشر شده از رضا عباسی نقاش هنرمند دربار شاه عباس بزرگ

زیرنیمه شخصیت هنر و تفکیک آثار سه هنرمند هنرمند هم در کتب هنر: آقا رضا، علیرضا و رضا عباسی

نوشته: دکتر خواجه عبدالرشید  
ترجمه: بیژن سمندر

علیرضا، اهل تبریز بود و او را معمولاً علیرضای عباسی تبریزی مینامیدند. رضا عباسی - هنرمندی که مورد بحث این مقاله است - طبق حدیثات من اهل مشهد بوده است، او به خاطر نقاشی‌های امضا شده فراوانی که از وی در موزه‌های سراسر جهان مانند بستون، لوور، بیبلونگ ناسیونال، متروپولیتن و تهران وجود دارد، برای اهل هنر آشناست. نقاشی‌های رضا عباسی به دو صورت امضاء شده‌اند، برخی بانام «رضا عباسی» و برخی دیگر، فقط «رضا». در این میان نقاشی‌هایی که با امضاء «آقا رضا» به دست آمده است متعلق به او نمی‌باشد و مربوط به «آقا رضا» فرزند علی اصغر است که ضمناً خوشنویس هم بوده و در ایام حیات، به هندوستان سفر کرده است.

در اینجا این نکته مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

نقاشی‌هایی که توسط رضا عباسی، «رضا» امضاء شده است، از آثار اولیه او

۱- اسکندربیک ترکمن «عالم آرای عباسی» تهران (۱۳۱۴ هجری).

۲- توزک جهانگیری (Tuzk-i Jahangiri) ترجمه راجرز و بورج (لندن) (۱۹۰۹).



دکتر خواجه عبدالرشید

کارهای تحقیقی و ارزنده خواجه عبدالرشید است که به زبان انگلیسی تحریر شده است.

بوده، رضا عباسی تنها نقاش و علیرضا منحصرأ خوشنویس بوده است و از این سه تن آقا رضا بود که به هندوستان سفر کرد و در دربار اکبر شاه بزرگ، و نیز سلطان جهانگیر به خدمت مشغول شد. بنا به روایت «عالم آرای عباسی» آنها کاشانی بوده‌اند اما جهانگیر، در «توزک جهانگیری»<sup>۲</sup> از آنها به عنوان دوستان هراتی یاد کرده است.

درباره نویسنده:

کلنل خواجه عبدالرشید، یکی از دانشمندان طراز اول و محققین بنام پاکستان است. وی به زبان‌های اردو، پنجابی، انگلیسی و فارسی تسلط دارد و تاکنون متجاوز از سیصد مقاله در مضامین مختلف علمی و ادبی با زبان‌های یاد شده نوشته که در نشریات گوناگون چاپ شده است. کتاب «تذکره شعرای فارسی» نیز از تألیفات ایشان است که حاوی شرح حال و آثار ششصد تن از شعرای فارسی‌گوی پنجاب میباشد و سال ۱۹۶۷ در کراچی به چاپ رسیده است. مقاله زیر، که درباره رضا عباسی و همچنین تفکیک آثار وی از دو هنرمند دیگر دوران اوست، از

در دوران شاه عباس بزرگ، سه نقاش و خوشنویس هنرمند میزیسته‌اند که به سبب شباهتی که در نام و هنر داشته‌اند، در تشخیص آنان نوعی ابهام به وجود آمده است. این سه هنرمند عبارتند از:

۱- آقا رضا

۲- رضا عباسی

۳- علیرضا

که آقا رضا، نقاش و خوشنویس



تصویر شماره ۱ - مردی که سرش را می‌خاراند - بتاريخ ۱۰۰۷ هجری - امضاء: رضا

می باشد یعنی قبل از آنکه به دربار شاه عباس راه یابد آنها را بوجود آورده است و پس از آن، عنوان عباسی را برای خود انتخاب نموده است.

دوست ارجمند من، دکتر محمد عبدالله جغتائی اولین کسی است که طی مقاله ای که در نشریه اسلامیک کالج<sup>۳</sup> (تمدن اسلامی) منتشر کرد، کوشش نمود زوایای تاریک و مبهم زندگانی و هنر این سه هنرمند را روشن نماید و من اغلب ضمن بازگو کردن نظریات خود، به نوشته های ارزنده ایشان اشاره خواهم کرد. اما تذکر این نکته لازم است که از زمان انتشار مقاله دکتر جغتائی (سال ۱۹۵۸) تاکنون، مدارک تازه ای در این زمینه به دست آمده که هم به روشن شدن مطلب کمک می کند و هم در بعضی موارد به پیچیدگی آن می افزاید!

قصد من از آغاز در نگارش مقاله حاضر این بود که سه اثر از نقاشی های رضا عباسی را به خوانندگان ارجمند معرفی کنم اما در انجام این مقصود خود را در میان مثلثی ابدی یافتیم و در تقلائی که برای رهایی از آن می نمودم مطالب تازه ای به دست آوردم که فکر می کنم برای روشن شدن موضوع، جالب باشد. البته این مطالب که ذیلاً از نظر تان خواهد گذشت نتیجه تحقیقات شخصی اینجانب است:

### زندگانی و هنر رضا عباسی

درباره زندگانی رضا عباسی، در کتابی که اخیراً در ایران، تحت عنوان «کارنامه بزرگان ایران» به چاپ رسیده چنین آمده است:

زندگانی رضا عباسی برخلاف معاصرینش که کم و بیش در تواریخ نامی از آنان ذکر شده به درستی روشن نیست. شاید منظور از کلمه «معاصرینش» که در اینجا به کار برده شده، هنرمندانی باشند که در بالا به آنها اشاره شد.

تاریخ اصلی و دوران زندگانی رضا عباسی که توسط نویسندگان و پژوهشگران

مختلف به آن اشاره شده، متفاوت است ولی یک مطلب روشن است و آن اینکه او در زمان شاه عباس می زیسته است.

بنا بر نوشته ام. اس. دایموند<sup>۴</sup>، این تاریخ بین سالهای ۱۵۸۷ و ۱۶۲۸ میلادی بوده است که مطابق است با ۹۹۶ - ۱۰۳۸ هجری شمسی، با این حساب، این فاصله به او طول عمری برابر ۴۲ سال می دهد اما طبق «کارنامه بزرگان ایران» دوران زندگانی او بین سالهای ۹۹۵ و ۱۰۳۸ هجری بوده است که با این حساب، او ۴۳ سال عمر کرده است.

من در این مورد تردید دارم و گمان می کنم که این هنرمند پیش از آن عمر کرده باشد، این نکته از تاریخ امضاء شده پای نقاشی هایش پیداست که نمونه ای از آن در متن (تابلو شماره ۱) وجود دارد. نوشته چنین است:

در مشهد مقدس آخر روز جمعه دهم محرم الحرام در دولتخانه در خدمت یاران ساخته شد. راقم رضا ۱۰۰۷ خصوصاً حاجی میرزا عراجسگی سلمه اله.

توجه خواهید کرد که او نام خود را فقط «رضا» امضاء کرده و اگر هنرمند ما در سال ۹۹۵/۹۹۶ به دنیا آمده باشد بنا بر این هنگام نقاشی این اثر، بیش از ۱۱ یا ۱۲ سال نداشته و این به دلایل زیر غیر ممکن است:

۱- این سن، برای آفرینش چنین اثر پخته ای بسیار اندک است.

۲- تحریر نوشته ای که در بالا ذکر شد و در کنار نقاشی آمده نیز از چنین سنی بعید می نماید.

۳- نقاشی در حضور چند تن از دوستان نزدیک کشیده شده و الزاماً در زمان کوتاهی پدید آمده است ضمناً همانطور که پیداست نقاشی «پوزه» نیست، بنا بر این زمان طولانی در طرح آن به کار برده نشده و از طرفی، در تابلو، یکنوع شوخ طبعی به چشم می خورد که با لطافت و زیرکی بسیار تصویر شده و حالت آن

عمداً اختیار شده است، همه اینها نمایشگر چیره دستی و مهارت نقاش است که این کار در سن ۱۱ یا ۱۲ سالگی غیر قابل قبول به نظر می رسد.

۴- تابلو تصویری است از حاجی میرزا عراجسگی نامی که من نتوانستم به درستی او را بشناسم. او به صورت مردی میانسال، با سری طاس و ریش نشان داده شده و مطمئناً از دوستان نزدیک هنرمند بوده است زیرا در حاشیه تصویر این موضوع روشن شده، و اگر صحت داشته باشد که او این نقاشی را در سن ۱۱ یا ۱۲ سالگی به وجود آورده است، غیر ممکن به نظر می رسد که او در آن سن دوستی داشته است که آنقدر از خودش مسن تر بوده. با سر طاس، ظاهری مسن به چهره تصویر می دهد، امکان دارد که این شخص، سنی در حدود ۲۵ الی ۳۵ سال داشته باشد.

جمله «در خدمت یاران ساخته شد» اهمیتی بسیار دارد و مشخص کننده یک دوستی بسیار نزدیک بوده نه یک آشنائی مختصر! آنها می بایستی لااقل در سنینی هم طراز بوده باشند.

همچنین از امضاء پای نقاشی مشاهده می شود که تاریخ اتمام آن ۱۰۰۷ بوده و آنطور که درباره آن روزگار، در کتاب «زندگانی شاه عباس بزرگ»<sup>۱</sup> می خوانیم، دورانی پراختشاش بوده است:

«در ۱۰۰۶ بار دیگر عبدالمؤمن از بک، مشهرا گرفته بسیاری از اهالی شهر را کشته و خراسان را متصرف شد و خود در این سال در ماوراءالنهر به جای پدرش عبدالله خان از بک نشست و از بد رفتاری های خود به قتل رسید و تا ۱۰۰۸ شر از بکان از خراسان رفع شد».

رضا عباسی تا آن زمان، تنها بانام رضا معروف بوده است، این آثار از نقاشی های اولیه رضا عباسی بوده و مدت ها قبل از آنکه به دربار شاه عباس بزرگ راه یابد، پدید آمده اند.

پیش از آنکه به دنباله مطلب بپردازم،

لازم است نظر خوانندگان را به مقاله‌ای دکتر مهدی بهرامی درباره رضا عباسی در مجله معروف «آینده»<sup>۷</sup> دوره سوم شماره ۱۳، جلب کنم.

نویسنده یاد شده در این مقاله، علاوه بر اینکه مطالبی را مبهم نموده، اشتباه عمده‌ای نیز باعث شده و آن این است که «آقا رضا»ی نقاش و خوشنویس که به هندوستان سفر نمود، هرگز خود را «آقا رضا عباسی» نخوانده و با این نام شناخته نشده بود بلکه به عنوان «آقا رضا» معروف خاص و عام بوده است ولی از قطعه زیر که مستخرج از مقاله دکتر بهرامی است چنین به نظر می‌رسد که آقا رضا در سال ۱۰۲۰ در ایران بوده، در صورتی که حقیقتاً در آن موقع در هندوستان و در

دربار اکبر بزرگ به سر می‌برده است! و اما قطعه مورد بحث:

مدت کار آقا رضارا از روی قطعات تاریخ‌وار او می‌توان بین ۱۰۰۷ و ۱۰۴۴ هجری تعیین کرد و یکی از کارهای زیبای او، امروز در موزه تهران مشاهده می‌شود. شاید نخست در مشهد بسر می‌برد و تا پیش از ۱۰۲۰ به دربار شاه عباس تقریبی حاصل نکرده است و در آغاز امر، فقط به نام رضا اکتفا می‌نموده.

او همچنان اضافه می‌کند: سرآمد هنرمندان اصفهان در آنوقت، آقا رضا بوده که لقب عباسی را از نام شاه عباس بزرگ گرفته.

از مطالب بالا چنین استنباط می‌شود که:  
۱- آقا رضا نیز عنوان عباسی را

دریافت کرده.

۲- عنوان عباسی بعد از سال ۱۰۲۰ هجری به دنبال نامش آمده است.  
۳- عنوان از نام سلطان اخذ شده است.  
اما مطالب فوق به دلایل زیر صحت ندارد:

۳- Islamic Culture, Hyderabad - Deccan, Vol. XII October 1958.

۴- کارنامه بزرگان ایران - ۱۳۴۰ شمسی

تهران.

۵- M.S. Dimand نویسنده کتابچه‌ای

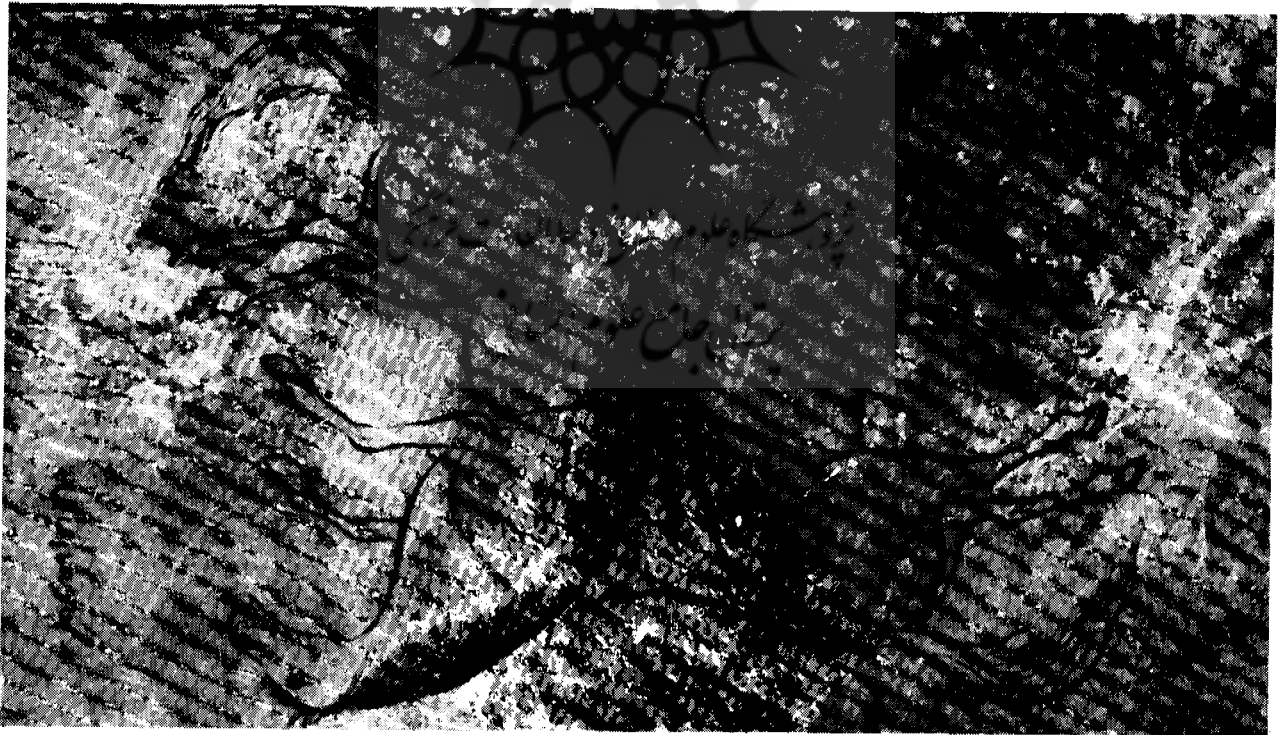
است درباره هنرهای «محمدی» از انتشارات Hertsdale House چاپ نیویورک.

۶- تاریخ و زندگی شاه عباس کبیر -

ابوالقاسم صهبا - ۱۹۲۵.

۷- این مجله در حال حاضر منتشر نمی‌شود.

تصویر شماره ۳ - چهار اسب با دو سر - امضاء: رقم کار رضا عباسی



الف - آقا رضا خود را با عنوان عباسی نمی خوانده است ، او هیچگونه دلیلی برای این کار نداشته ضمناً چندان تقریبی نیز نزد شاه عباس نداشته است و چنانکه اشاره شد به هندوستان گریخت .  
ب - آقا رضا ، در سال ۱۰۲۰ در ایران نبوده و نزد اکبر شاه در هندوستان به سر می برده است بنابراین این رضاعباسی است که باین عنوان ، نام خود را پای نقاشی ها امضاء می کرده و آقا رضا نیست ! تصویر شماره (۱) که در اینجا به چاپ رسیده در سال ۱۰۰۷ هجری در مشهد ترسیم شده و دومورد فوق ، درباره این تابلو ، به ثبوت رسیده و معلوم می دارد که اثر رضا عباسی است .

دوران سلطنت شاه عباس بزرگ از سال ۹۸۵ تا ۱۰۳۸ هجری است و بادوره زندگانی رضا عباسی - طبق حساب - مطابقت دارد . شاه عباس مثل سلطان جهانگیر ، خودش هم هنرمند بوده و نقاشی جزو کارهای تفریحی او به حساب می آمده است . در این دوره ، هنر رضا عباسی تکامل یافته و به عالی ترین درجه کمال می رسد تا آنجا که نظر کلیه هنرشناسان را به خود جلب می نماید . نقاشی های رضا عباسی به طرز چشمگیری نشان دهنده خصائص زیر است :

در تصویرهای این هنرمند خوشنویس ، به شکل ماهرانه ای ، نمایشگر هیئت يك انسان است . یعنی بدون استفاده از سایه روشن ها ، يك خط ، به تدریج به عرض مناسبی در وسط می رسد و به صورت عضلات مشخص می گردد که نشان دهنده فریبودن ران هاست و به نظر می رسد که جاندار است .<sup>۸</sup>

اگر قدری در این گفته تعمق کنید و تصویر شماره (۱) همچنین تصاویر دیگری را که ضمن این مقاله به چاپ رسیده نگاه کنید ، متوجه حقیقت مطلب خواهید شد .

رضا عباسی ، در زمان حیات خود

چنان شهرتی به دست آورده بود که بسیاری از هنرمندان دیگر که پس از او می زیسته اند ، برای برخورداری از ارج و احترام هنری ، عنوان عباسی را برای خود انتخاب کرده اند . برای مثال می توان شفیع عباسی را نام برد . البته به تصور دکتر جغتائی این شخص ، پسر رضا عباسی است ولی اینجانب با هیچگونه مدرکی که دال بر این موضوع باشد مواجه نشده ام . با این حال ، دکتر جغتائی به طور وضوح ، متوجه تأثیر غرب در آثار او می گردد . اعتقاد من این است که رضا عباسی تنها شخصیتی است که بعد از مولانا شیخ محمد سبزواری ، هنر نقاشی به سبک غربی را در ایران رواج داده است . با توجه به تاریخ هایی که در بالا اشاره شد اگر به دوره زندگانی رضا عباسی ، ده سال اضافه کنیم و آن را به ۱۰۳۸ - ۹۸۵ هجری تبدیل نمائیم (نه ۱۰۳۸ - ۹۹۵) می بینیم که او هنگام ترسیم تابلو (شماره ۱) - سال ۱۰۰۷ هجری - بیست و دو ساله بوده است .

درباره تابلو (شماره ۱) و هنر رضا عباسی موضوع زیر نیز قابل ذکر است :  
حالت دست چپ و احساسی که در چهره مرد است ، بسیار هنرمندانه و پر معنی است اختلاف نظر اصلی درباره این تابلو به علت خطوط مورب و موج دار دقیق و قوس های کوتاهی است که به آن حالت کالیوگرافیک می دهد .

اکنون به تصویر « شماره ۲ » نگاه کنید ، در این تابلو ، چهار اسب با چهره خواهیم دید و طوری با چیره دستی ترسیم شده اند که به نظر چهار اسب خواهند آمد ، خطوط و قلم کاری ها آنچنان هنرمندانه است که به هر يك از حالات ، شکل جالبی می دهد بجز دو خط سیاه و بلند ، بقیه خطوط ، همه کوتاه می باشند . سرها چنان به یکدیگر وصل شده است که در مجموع ، دو اسب کشیده و دو اسب خمیده به نظر می رسند . دو اسب کشیده در حالت تاخت هستند و دو اسب خمیده در وضعیت آب

نوشیدن . جالب اینجاست که اشکال ، در هر مورد کامل می باشند و هیچگونه بریدگی در بدن اسبها وجود ندارد .

همانطور که اشاره شد بغیر از دو خط سیاه ، بقیه کوچک و کوتاه است . قلم کاریهای کالیوگرافیک به ترتیب پهن و باریک هستند که بطور کلی حالت عضلات را در حرکت مشخص می نمایند .

از اینکه می گویم قلم کاریهای کالیوگرافیک است این اشتباه پیش نیاید که پس او می بایستی آقا رضا و یا علی رضای (کالیوگرافیکست) باشد ! ابداً ، بلکه این از ویژگیها و زیباییهای هنر رضا عباسی است . تأثیر هنر رضا عباسی در بسیاری از کارهای هنری ایران مشهور است ، چهل ستون و عالی قابو ، به سبک او تزئین شده و مینیاتورهای فراوانی که در نسخه های قدیمی شاهنامه به دست آمده همه نشان دهنده تأثیر رضا عباسی در نقاشی ایرانی است .

برخی از نویسندگان و پژوهشگرانی که در باره نقاشی های این نسخ بحث می کنند ، بین رضاعباسی و علی رضاتبریزی دچار تردید و اشتباه می شدند . ام . اس . دایموند هم جزو این گروه است با این وجود او به استادی و مهارت رضا عباسی اطمینان کامل دارد و اعتراف می کند که نقاشی های او بی اندازه زنده و گویا است و مناظر و پرتره های او در اثر مشاهده دقیق طبیعت به وجود آمده است اکنون به (تصویر شماره ۳) نگاه کنید ، تصویر (۱) و (۳) کاملاً با این موضوع وفق می دهد . تصویر (شماره ۳) نشان دهنده طبع شوخ و درعین حال آرام يك چوپان است که در طلب استراحت خویش ، گوسفندش را در کنار خود آزاد گذاشته است . طبع شوخ نقاش ، دستاری بر سر گوسفند قرار داده ، خود گوسفند نیز در حقیقت موجود عجیبی است ، چیزی است بین گاو و گوسفند ! همچنانکه از ستم و ساق و گردن و دم ضخیم او پیداست !

حتی در صورت هم نوعی تلفیق به کار رفته است بعید به نظر نمی‌رسد که این نقاشی، کارتونی باشد که در حالتی طنزآمیز رسم شده است!

تصاویر (۲) و (۳) بر روی پوست آهوکشیده شده و بدین جهت چروک به نظر می‌رسند.

### اختلاف نظر در مورد امضاء

هر سه نقاشی امضاء شده‌اند. نقاشیهای امضاء شده دیگری نیز از این سیاق، در سایر کتاب‌های هنری ایران به چاپ رسیده است که تاکنون در این زمینه سه نوع امضاء دیده شده است:

الف - رضا

ب - رضا عباسی

ج - آقا رضا

بهتر است ابتداء امضاءهای این سه تابلو را که در اینجا به چاپ رسیده مورد بررسی قرار دهیم زیرا آنها تاکنون جائی چاپ نشده‌اند:

خصوصیت امضاء رضا عباسی این است که او «ر» و «ض» را به یکدیگر وصل می‌کند. این امر، کاملاً در تصویر (۱) مشخص می‌باشد.

در تصویر (۲) و (۳)، گرچه آنها بهم وصل نمی‌باشند اما می‌توان متوجه شد که حالتی شبیه به اتصال دارند. ام - اس دایموند، در صفحات ۲۹ و ۵۴ کتاب خود، دو تصویر از نقاشی‌های این هنرمند را چاپ کرده که هر دو امضاء دارند: نقاش دو تصویر را با جمله «رقم کمینه رضا عباسی» امضاء کرده است و اینجا تصاویر (۲) و (۳) با جمله «رقم کار رضا عباسی» امضاء شده که هر دو یک مفهوم دارند.

در صفحه ۵۲۳ کتاب کارنامه بزرگان ایران، مینیاتوری از رضا عباسی چاپ شده است که در آنجا نیز او «رقم کمینه رضا عباسی» امضاء کرده. نام رضا در تصویر شماره (۱) که توسط دایموند کپی شده و تصویری که در کتاب کارنامه بزرگان ایران به چاپ رسیده کاملاً شبیه بوده

و به یک سیاق نوشته شده است. دکتر جغتائی نیز در مقاله خود که قبلاً به آن اشاره شد، دو تصویر به چاپ رسانده که یکی «آقا رضا» امضاء شده و دیگری «رقم کمینه رضا عباسی». تصویر مربوط به آقا رضا، اثری است خیالی که کلمه رضا به صورتی کاملاً متفاوت پای آن تحریر شده و حروف «ر» و «ض» کاملاً از یکدیگر جدا می‌باشند. تابلو دوم، که جوانی را در حال خواندن نشان می‌دهد، امضائی دارد که شبیه امضاء رضا عباسی است با مختصات که در بالا به آن اشاره شد. همانطور که اشاره شد، تأثیر هنر رضا عباسی در نقاشی ایرانی بسیار بوده است بخصوص که متوجه می‌شویم در دو قرن پس از او، نقاشان ارزنده‌ای مثل یوسف، قاسم و معین از آثارش تقلید می‌کردند.

«بارنت» پژوهشگری که در موزه بریتانیاست چنین می‌گوید:

«تأثیر مستقیم رضا عباسی بخصوص در تصاویر زنده که اکثراً زیبا هستند، تا قرون هفدهم و هیجدهم همچنان باقی بود».

در اینجا لازم می‌دانم چند کلمه نیز درباره دو هنرمند دیگر - آقا رضا و علی رضا - یادآور شوم: علی رضا که در بالا به او اشاره شد، یک خوشنویس بود و تمام عمرش در ایران باقی ماند در حالیکه آقا رضا علاوه بر اینکه نقاش بود، خوشنویسی را نیز پیشه کرده بود.

علی رضا اهل تبریز بود، او در نوشتن خط نستعلیق استاد بود همچنین خط نسخ را نیز با مهارت می‌نوشت، او بود که با خطاطی هنرمندانه خود کاخ عالی قاپو را تزئین کرد و نیز داخل گنبد مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان را تزئین نمود. نقاشی‌ها و تزئینات خطی او که در مسجد شاه اصفهان برجای مانده تاریخ ۱۰۲۵ هجری را دربر دارد. زندگانی او را می‌توان تا سال ۱۰۳۸ هجری دنبال نمود

اما تاریخ مرگش مشخص نیست. و اما آقا رضا شخصیتی است که در عالم آرای عباسی بسیار از او سخن رانده شده و بر طبق نوشته‌های عالم آرای عباسی، وی اهل کاشان می‌باشد ولی جهانگیر در توزک می‌گوید که او اهل هرات بوده است، امکان دارد که وی قبل از سفر به هندوستان، در هرات اقامت داشته است. در اینجا بدنیت قطعه‌ای از عالم آرای عباسی را در این زمینه نقل کنیم و آن را مورد بررسی قرار دهیم. در این کتاب چنین آمده است:

«مولانا اصغر کاشی، استاد بی‌قرینه و مصور پاکیزه ساخت در پرداخت و رنگ‌آمیزی منفرد و دراکوه پرداز و درخت سازی از اقران در پیش بود. او نیز در خدمت سلطان ابراهیم میرزا می‌بود. در زمان میرزا اسماعیل از اصحاب کتابخانه شد. پسرش آقا رضا در فن تصویر ویکه و صورت چهره کشائی ترقی عظیم کرده اعجوبه زمانه گشت و در این عصر وزمان مسلم الثبوت است از جهات نفس به آن تراکت قلم همیشه زور آزمائی و ورزش کشتی‌گیری کرده از شپوه محفوظ بودی و از صحبت ارباب استعداد کناره جسته به آن طبقه الفت داشتی و در این عهد، فی الجمله از آن هرزه در آئی باز آمده اما متوجه کار کمتر می‌شود. او نیز بطریق صادقی بیک به مزاج تنگ حوصله سپرد اخلاط است. الحق استغنائی در طبیعتش هست در خدمت حضرت اعلی ظل الهی مورد عواطف گزید و رعایت‌های کلی یافت اما از اطوار ناهنجار، صاحب اعتبار نشد و همیشه مفلس و پریشان حال است».

\*

۸ - Moslem Calligraphy تألیف م. ضیاءالدین - چاپ Santiniketan Press هند، ۱۹۳۶.

۹ - Islamic Art in Persia - تألیف D. Barnett - چاپ اکسفورد ۱۹۵۳.



تصویر شماره ۳ - گوسفند و جویان - بدون تاریخ - امضا، رقم کار رضا عباسی

هر کدام در موقعیت‌های مختلف و بدرخواست افرادی متفاوت ترسیم شده است. همانطور که در شرح این تصاویر آمده، آنها تاریخی بین سال‌های ۱۰۸۷-۱۰۸۴ دارا هستند.

در اینجا یکی از این تصاویر از نظر تان می‌گذرد، این تصویر از مقاله دکتر بهرامی (که باز قبلاً به آن اشاره شد) استخراج شده است. استنباط من از شرح این پرتره با آنچه دکتر جغتائی ذکر کرده است فرق دارد.

شرح تابلو مورد بحث و استنباط اینجانب:

شبهه مرحمت و مغفرت پناهی مرحومی جنت مکانی استادم رضا مصوری عباسی رحمه الله والغفران بتاریخ سنه ۱۰۴۰ تقال شده بود و بتاریخ پنجم شهر صفر . . . سنه ۱۰۸۷ جهت مرقع با تمام رسید مبارک

پدر و پسر وفات یافتند».

\*

از دو قطعه بالا مشخص می‌گردد که این آقا رضا بوده که به هند سفر کرده و نه رضا عباسی، بعلاوه رضا عباسی به دربار شاه عباس راه یافت و از آن پس لقب عباسی را برای خود برگزید در صورتیکه آقا رضا چنین نکرد.

#### تصویر رضا عباسی

دکتر جغتائی در مقاله خود که در بالا به آن اشاره شد، می‌نویسد: سه تصویر از رضا عباسی، توسط شاگردش «معین مصور» نقاشی شده که

به نظر من، فقر او و همچنین رفتار ناشایسته‌اش در نظر شاه عباس بزرگ، باعث شد که او دربار ایران را ترک بگوید و به دنبال ثروت به هند برود. این واقعه قبل از سال ۱۰۱۴ هجری صورت گرفته زیرا این تاریخ، مصادف با دوران سلطنت اکبر شاه در هند است و زمانی است که نقاش به همراه پسرش به هند وارد شده است. در کارنامه بزرگان ایران در این باره چنین نوشته شده:

«بالاخره بار سفر بسته به هندوستان رفت و به خدمت «جلال‌الدین اکبر» پیوست و پس از سالی چند که اکبر وفات یافت «جهانگیر پادشاه» (۱۰۱۴ - ۱۰۳۷) وی را مشمول عنایت و التفات فرمود و او و پسرش «ابوالحسن» که در نقاشی تربیت عظیم کرد، در خدمت این پادشاه نوازش بسیار یافتند. . . . و هم در هندوستان این



تصویر شماره ۴ - تصویر رضا عباسی که توسط معین مصور کشیده شده است

پرتال جامع علوم انسانی

بعد از رضا عباسی حیات داشته و تا بلو دیگری از او (که در موزه تهران نگهداری می‌شود) نشان می‌دهد که او آنرا به سال ۱۰۹۷ هجری تمام کرده است. ضمناً آثار دیگری نیز از معین مصور برجای مانده که تاریخ ۱۱۱۰ هجری را دربر دارد.

\*

تفاوت دو قطعه، با خطوط زیر کلمات مشخص شده است. البته روشن است که معین، کشیدن این تصویر را در زمان حیات رضا عباسی آغاز کرده ولی آنرا مدتها بعد به پایان رسانده است. معین مصور، خودش سال‌ها

باد شقه معین مصور غفر الله زنوبه. شرح و استنباط دکتر جغتائی: شبیه مرحمت و مغفرت پناهی مرحوم جنت مکان استادم رضا مصور عباسی علیه الرحمه والفران بتاریخ ۱۰۴۴ . . . ۱۰۸۷ به یادگار بجهت مرقع بانمام رسید مبارک باد مشقه معین مصور غفر الله زنوبه.